

آثار گناه بر عقل و قلب و اجتماع

هرگاه بنده گناهی انجام دهد نقطه سیاهی در دل او پیدا می‌شود. اگر توبه کرد پاک می‌شود و اگر به گناه خود ادامه داد، آن نقطه سیاه زیادتر می‌شود تا اینکه همه قلب را می‌گیرد و در این موقع است که دیگر او رستگار نمی‌گردد.

چرا افسردگی زیاد شده؟ چرا قوای عقلی و حافظه‌ام ضعیف شده؟ چرا رزق و روزی‌ام با مشکل مواجه شده؟ اصلاً چرا تلاش‌هایم به نتیجه نمی‌رسد؟ چرا علی‌رغم تمنای زیادی که دارم، در مسائل معنوی پیشرفت نمی‌کنم و احساس خوش معنویت و آرامش به من دست نمی‌دهد؟ چرا؟ وقتی این سوالات و صدها سوال دیگر از این قبیل را بررسی و علت‌یابی می‌کنیم، به یک پاسخ می‌رسیم و آن هم گناه است.

آری همه این مشکلاتی که ذکر شد نتیجه و آثار گناه است. اگر متوجه بشویم که علت همه مشکلات ما ناشی از ارتکاب گناه است عزم ما برای ترک گناهان دو چندان می‌شود؛ لذا این مقاله در صدد است که در چند شماره به بخشی از آثار زیان‌بار و مهلک گناهان بپردازد، به امید اینکه جامعه ما از لوثر گناهان پاک شود.

آثار فردی گناه

۱- کاهش قوای عقلی

قوای عقلی و فکری هر انسانی ثابت و پایدار نیست، بلکه متناسب با افعالی که از او صادر می‌شود این قوا شدت و ضعف پیدا می‌کند. گناه از اموری است که باعث ضعیف شدن قوای عقلی و فکری انسان می‌شود. چرا که عقلانیت انسان از جنس نور است و گناه تولید کننده ظلمت و این دو با هم جمع نمی‌شوند. از پیامبر خدا نقل شده که به ابن مسعود سفارش می‌کند: از مستی گناه بپرهیز چرا که برای گناه هم جنونی مانند جنون شراب وجود دارد، بلکه جنونش شدیدتر است. ۱

انسانی که قوای عقلی او رو به ضعف بگذارد، هر خیری از او دور می‌شود و آمادگی هر اشتباه و خطایی را پیدا می‌کند. چرا که فرمودند: فقط با عقل است که هر خیری به دست می‌آید. ۲

۲- از بین رفتن محفوظات

همه دیده‌ایم که انسان‌ها از نظر قوه حافظه برابر نیستند، بلکه با هم اختلاف دارند. اموری هم در زیاد و کم شدن حافظه تأثیر دارند که از آن جمله معصیت الهی است. بنابر روایات اهل بیت (علیهم السلام) معصیت باعث از بین رفتن محفوظات از ذهن انسان می‌شود.

انسان با ادامه گناه، لحظه به لحظه، در تاریکی روحی بیشتری فرو می‌رود، و به جایی می‌رسد که گناهانش در نظرش حسنت جلوه می‌کند، و گاه به گناهش افتخار می‌کند! در این مرحله راه‌های بازگشت به روی او بسته می‌شود، و تمام پل‌ها پشت سرش ویران می‌گردد و این خطرناک‌ترین حالتی است که ممکن است برای یک انسان پیش آید

ابن مسعود از پیامبر «صلوات الله علیه و آله» نقل می‌کند: از گناهان بپرهیز چرا که گناهان از بین برنده خیرات هستند. وقتی بنده گناه می‌کند، به واسطه انجام آن، علمی را که یاد گرفته بود فراموش می‌کند. ۳

اگر بنا باشد انسان زحمت تحصیل علم را بکشد اما معلوماتش باقی نماند، پس زحمت او بی‌نتیجه است و همیشه در جهالت باقی خواهد ماند.

۳- قساوت قلب

یکی از اموری که در سعادت انسان‌ها نقش کلیدی دارد، داشتن قلبی تأثیرپذیر و رقیق است. اگر قلب انسان را قساوت بگیرد، دیگر نسبت به امور لطیف و ظریف و نورانی تأثیرپذیر نخواهد بود. در نتیجه بسیاری از امور که باعث تنبه و رشد دیگران است در رشد و ترقی او تأثیر نخواهد داشت. البته آدمی با دلی نرم و رقیق به دنیا می‌آید و خود اوست که باعث قساوت قلب خود می‌شود. از جمله اینکه مرتکب گناه می‌شود و گناه باعث قساوت قلب آدمی می‌شود. چنان که در سوره مطفین می‌خوانیم: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۴ «چنین نیست که آنان می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است!

و در روایات آمده است: هرگاه بنده گناهی انجام دهد نقطه سیاهی در دل او پیدا می‌شود. اگر توبه کرد پاک می‌شود و اگر به گناه خود ادامه داد، آن نقطه سیاه زیادتر می‌شود تا اینکه همه قلب را می‌گیرد و در این موقع است که دیگر او رستگار نمی‌گردد.^۵

انسانی که دچار قساوت قلب گردد نه تنها با خالق خود مشکل پیدا می‌کند، بلکه در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی خود نیز دچار مشکل می‌شود. انسانی که دل او سخت شده، نمی‌تواند از احساسات لطیف و پاک برخوردار باشد و در نتیجه زندگی سرد و خشنی خواهد داشت.

بدترین اثر گناه و ادامه آن، تاریک ساختن قلب، و از میان بردن نور علم و حس تشخیص است. گناهان از اعضاء و جوارح، سرازیر قلب می‌شوند، و قلب را به یک باتلاق متعفن و گندیده مبدل می‌سازند. اینجاست که انسان راه و چاه را تشخیص نمی‌دهد، و مرتکب اشتباهات عجیبی می‌شود که همه را حیران می‌کند و با دست خود تیشه به ریشه سعادت خویش می‌زند و سرمایه خوشبختی خویش را به باد فنا می‌دهد. در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: کثرة الذنوب مفسدة للقلب. (گناهان زیاد قلب انسان را فاسد می‌کند)

و در حدیث دیگری از همان حضرت می‌خوانیم. ان العبد اذا اذنب ذنبا نکتت فی قلبه نکتة سوداء، فان تاب و نزع و استغفر صقل قلبه، و ان عاد زادت حتی تعلقو قلبه، فذلک الرین الذی ذکر الله فی القرآن: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (هنگامی که بنده گناه کند نقطه سیاهی در قلب او پیدا می‌شود، اگر توبه کند و از گناه دست بردارد و استغفار نماید، قلب او صیقل می‌یابد و اگر باز هم به گناه برگردد سیاهی افزون می‌شود، تا تمام قلبش را فرا گیرد، این همان زنگاری است که در آیه) كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ ما كَانُوا يَكْسِبُونَ به آن اشاره شده.

از نظر اصول روانشناسی نیز این معنی ثابت شده که اعمال آدمی همواره بازتابی در روح او دارد، و تدریجاً روح را به شکل خود در می‌آورد، حتی در تفکر و اندیشه و قضاوت او مؤثر است.

این نکته نیز قابل توجه است که انسان با ادامه گناه، لحظه به لحظه، در تاریکی روحی بیشتری فرو می‌رود، و به جایی می‌رسد که گناهانش در نظرش حسنات جلوه می‌کند، و گاه به گناهش افتخار می‌کند! در این مرحله راه‌های بازگشت به روی او بسته می‌شود، و تمام پل‌ها پشت سرش ویران می‌گردد و این خطرناک‌ترین حالتی است که ممکن است برای یک انسان پیش آید.^۶

۴- زوال نعمت‌ها

یکی از آثار مهمی که گناهان در زندگی هر فرد یا اجتماعی می‌گذارد از بین رفتن نعمت‌هایی است که خداوند به آنان عطا فرموده است. آری پایداری بسیاری از نعمت‌های الهی مشروط به انجام ندادن گناه و اطاعت او است. چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم: وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَکَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ وَ لٰكِنْ كَذَّبُوْا فَاَخَذْنَاھُمْ بِمَا كَانُوْا یَكْسِبُوْنَ (سوره اعراف آیه ۹۶)

(و اگر اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پارسایی می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم، اما) آنان حق را تکذیب کردند، پس به سبب آنچه همواره کسب می‌کردند، گرفتارشان کردیم. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: و ایم الله! ما کان قوم قط فی غض نعمه من عیش فزال عنهم الا بذنوب اجترحوها، لان الله لیس بظلام للعبید (به خدا سوگند هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشد، مگر به واسطه گناهی که مرتکب شدند، زیرا خداوند هرگز به بندگانش ستم روا نمی‌دارد)

سپس افزود: و لو ان الناس حين تنزل بهم النقم، و تزول عنهم النعم، فرعوا الى ربهم بصدق من نياتهم، و وله من قلوبهم، لرد عليهم كل شارد و اصلاح لهم كل فاسد (هر گاه مردم موقعی که بلاها نازل می‌شود، و نعمت‌های الهی از آنان سلب می‌گردد، با صدق نیت رو به درگاه خدا آورند، و با قلب‌هایی آکنده از عشق و محبت به خدا از او درخواست حل مشکل کنند، خداوند آنچه را از دستشان رفته به آنان باز می‌گرداند، و هر گونه فسادی را برای آنان اصلاح می‌کند) و از این بیان رابطه گناهان با سلب نعمت‌ها به خوبی آشکار می‌شود. ۷

انسانی که دچار قساوت قلب گردد نه تنها با خالق خود مشکل پیدا می‌کند، بلکه در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی خود نیز دچار مشکل می‌شود. انسانی که دل او سخت شده، نمی‌تواند از احساسات لطیف و پاک برخوردار باشد و در نتیجه زندگی سرد و خشنی خواهد داشت

۵ - نزول بلاها

بدون شک هر امری که در عالم اتفاق می‌افتد بدون علت نیست. از آن جمله بلاها و مشکلاتی است که بر سر راه افراد یا جوامع نهاده می‌شود و بدان‌ها گرفتار می‌شوند. اگر انسان‌ها در مدار بندگی خداوند قدم بر می‌داشتند از بسیاری از بلاها و مشکلات در امان بودند و همواره در حفظ و حراست خداوند به سر می‌بردند. اما بر اثر انجام گناه و معصیت الهی مستحق نزول بلا می‌شوند. در سوره شوری می‌خوانیم: «و ما أصابکم من مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْظُوا عَنْ كَثِيرٍ (سوره شوری آیه ۰۳)» (و هر مصیبتی به شما رسد پس به سبب دستاورد شماست! و بسیاری) از خطاهای شما را می‌بخشد.

در ذیل همین آیه در تفسیر المیزان می‌خوانیم: مصائب و ناملایماتی که متوجه جامعه شما می‌شود، همه به سبب گناهیانی است که مرتکب می‌شوید، و خدا از بسیاری از آن گناهان درمی‌گذرد و شما را به جرم آن نمی‌گیرد. پس آیه شریفه در معنای این آیات است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سوره روم آیه ۴۱) «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا»

۹(سوره اعراف آیه ۹۶) «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» ۱۰(سوره رعد آیه ۱۱) و آیات دیگری که همه دلالت دارد بر اینکه بین اعمال آدمی و نظام عالم ارتباطی خاص برقرار است. به طوری که اگر جوامع بشری عقاید و اعمال خود را بر طبق آنچه فطرت اقتضا دارد وفق دهند، خیرات به سویشان سرازیر و درهای برکات به رویشان باز می‌شود، و اگر در این دو مرحله به فساد بگرایند، زمین و آسمان هم تباه می‌شود، و زندگیشان را تباه می‌کند.

نکته:

۱- در روایات اهل بیت (علیهم السلام) بیان شده که هر گناه بلای خاصی را در پی خواهد داشت و اثر هر گناه را بیان کرده‌اند. به عنوان مثال در مورد زنا فرموده‌اند که هرگاه زنا در جامعه زیاد و علنی شود موجب زیاد شدن زلزله می‌شود. ۱۱

۲- در روایات آمده که هرچه انسان‌ها گناهان جدیدتری را انجام دهند باعث می‌شود بلاهای جدیدتری بر سر آنان بارند. ۱۲

۲. مستدرک وسایل، ج ۱۱، ص ۲۰۹.

۳. بحار، ج ۷۰، ص ۷۷۳.

۴. سوره مطففین، آیه ۱۴.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۲۷۱؛ وسائل الشیعه، ج ۰۲، ص ۷۹۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۶۶۲.

۶. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۶۶.

۷. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ همچنین رجوع کنید: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۲۴۷.

۸. اگر فساد در خشکی و دریا پیدا شود، به سبب گناهانی است که مردم می‌کنند، و پیدا شدن آن برای این است که خداوند نمونه‌ای از آثار شوم اعمالشان را به ایشان بچشاند، شاید برگردند.

۹. و اگر مردم شهرها ایمان می‌آوردند و تقوی پیشه می‌کردند، ما برکت‌هایی از آسمان و زمین به رویشان می‌گشودیم، اما به جای ایمان و تقوی تکذیب کردند.

۱۰. خدا نعمت‌های هیچ قومی را دگرگون نمی‌سازد، تا آنکه خودشان وضع خود را دگرگون کنند و رفتار خود را تغییر دهند.

۱۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۷۴۱.

۱۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۷۲.